

حکمرانی و آزادی اقتصادی (مطالعه موردی کشورهای گروه D8 و G7)

ابوالفضل شاه‌آبادی^۱، سارا ساری‌گل^۲، حمید تنهایی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۱

چکیده

هدف مطالعه حاضر تحلیل مقایسه‌ای جایگاه کشورهای عضو گروه D8 و G7 در شاخص‌های حکمرانی و آزادی اقتصادی طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۰ است. زیرا در عصر کنونی، بهبود آزادی اقتصادی یکی از روش‌های عمده دستیابی به منابع مالی، پیشرفت‌های فناوری، دانش و مدیریت جهت دستیابی به رشد اقتصادی مستمر و باثبات در کشورها است. از اینرو کشورها همواره در جستجوی راه‌هایی برای ارتقا هر چه بیشتر آزادی اقتصادی هستند. نتایج مطالعه حاکی از آن است که وضعیت کشورهای در حال توسعه D8 در قیاس با کشورهای توسعه‌یافته G7 در شاخص‌های حکمرانی و آزادی اقتصادی نامناسب است. همچنین براساس نتایج مطالعه به نظر می‌رسد، کشورهایی که در بهبود شاخص‌های حکمرانی موفق‌تر عمل کرده‌اند؛ اقتصادهای آزادتری هستند. از اینرو انتظار بر آن است، سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران اقتصادی کشورهای مورد مطالعه در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی اهمیت ویژه‌ای برای بهبود مؤلفه حکمرانی قائل باشند و زمینه بهبود شاخص‌های آزادی اقتصادی را مهیا نمایند.

طبقه‌بندی JEL: P16, O11, H11

واژگان کلیدی: حکمرانی، آزادی اقتصادی، کشورهای G7 و D8

۱. دانشیار گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، (نویسنده مسئول)

Email: shahabadia@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان،

Email: sarasrigol@gmail.com_

۳. کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی و کارشناس حقوق، همدان، Email: h.tanhaei@gmail.com

مقدمه

آزادی اقتصادی جز کلیدی در هر تلاش به سمت بهتر شدن اقتصاد و اجتماع است (فریدمن^۱، ۱۹۶۲). لذا شاخص آزادی اقتصادی، از قدرت تاثیرگذاری بالایی بر بهبود عملکرد اقتصاد، برخوردار است. آزادی اقتصادی از کانال‌های: انتقال اطلاعات، ایجاد انگیزه، ایجاد رقابت، افزایش کارایی و بهره‌وری، کاهش حجم دولت و افزایش سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارد (نجاری‌فروشانی، ۱۳۸۸). آزادی اقتصادی از طریق انتخاب‌های شخصی، مبادلات داوطلبانه، آزادی رقابت و تامین حقوق مالکیت، زمانی افزایش می‌یابد که ساختار یک اقتصاد و سیاست‌های ایجادکننده مبادلات آزادانه، در پی حمایت از افراد و حقوق آنها باشند. دولت نیز با ایجاد یک ساختار قضایی مناسب، تامین‌کننده حقوق مالکیت، امکان دسترسی به پول سالم، عدم ممانعت در انتخاب‌های شخصی، ایجاد مبادلات داوطلبانه و ورود به رقابت در بازار محصول و کار می‌تواند موجبات افزایش آزادی اقتصادی را فراهم آورد (سامتی و همکاران، ۱۳۸۹). به تعبیری دیگر امروزه آزادی اقتصادی یکی از روش‌های عمده دستیابی به منابع مالی، پیشرفت‌های فناوری، دانش و مدیریت جهت دستیابی به رشد اقتصادی مستمر و باثبات در کشورها است. از اینرو کشورهای مزبور همواره در جستجوی راه‌هایی برای ارتقا هر چه بیشتر آزادی اقتصادی هستند. علیرغم نقش قابل توجه آزادی اقتصادی در ادوار گوناگون در کاهش شکاف عمیق فناوری جهت دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی و افزایش قدرت رقابت‌پذیری شاهد بهبود آزادی اقتصادی در اکثر کشورها نمی‌باشیم. از اینرو کشورها همواره در جستجوی راه‌هایی برای ارتقا هر چه بیشتر آزادی اقتصادی هستند. به نظر می‌رسد، یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر آزادی اقتصادی، حکمرانی است. هدف مطالعه حاضر، شناسایی جایگاه کشورهای عضو گروه D8 و G7 در شاخص‌های حکمرانی و آزادی اقتصادی و نقش حکمرانی بر آزادی اقتصادی است. با نگاهی به مطالعات صورت گرفته، می‌توان بیان داشت، مطالعات داخلی گسترده‌ای به صورت مجزا در خصوص آزادی اقتصادی و حکمرانی صورت گرفته است، اما تاکنون مطالعه‌ای در خصوص آزادی اقتصادی و حکمرانی به صورت همزمان صورت نگرفته است، بنابراین انجام چنین مطالعه‌ای ضروری است.

مفهوم حکمرانی خوب و اثرات آن بر آزادی اقتصادی یکی از مسائل مهم در عرصه اقتصاد است. زیرا در سال‌های اخیر ثابت شده حکمرانی خوب با به رسمیت شناختن حق نظارت عمومی، برخورداری از شفافیت مطلوب در فرایند قانون‌گذاری و نیز عملکرد دولت، وجود اصل شایسته‌سالاری در انتخاب کارگزاران، وجود نظام کارآمد و قابل اعتماد در نظام اداری که اراده دولت از طریق آن اعمال می‌شود، پایبندی دولت به تعهدات خود، ثبات در برنامه‌ها، سیاست‌ها و اهداف طراحی شده توسط دولت و... فرصت‌های متنوعی را جهت بهبود شاخص‌های آزادی اقتصادی فراهم می‌آورد. بنابراین می‌توان بیان داشت، با انجام این مطالعه و تمرکز بر تاثیر



حکمرانی به عنوان عامل تعیین‌کننده آزادی اقتصادی می‌توان توصیه‌های سیاستی مناسبی برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران اقتصادی جهت ایجاد بسترهای مطلوب جهت افزایش جاذبه‌ها و کاهش دافعه‌ها برای آزادی اقتصادی ارائه کرد. از اینرو، مطالعه حاضر به تحلیل مقایسه‌های جایگاه کشورهای عضو گروه D8 و G7 در شاخص‌های حکمرانی و آزادی اقتصادی طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۰ می‌پردازد. این مطالعه در چهار بخش تنظیم شده است: ابتدا در بخش دوم، مبانی نظری و مطالعات تجربی تشریح می‌گردد، سپس در بخش سوم پژوهش به روش‌شناسی پژوهش پرداخته می‌شود و در نهایت در بخش چهارم نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی ارائه می‌گردد.

۱. مبانی نظری و مطالعات تجربی

۱-۱. مروری بر آزادی اقتصادی و مفاهیم

آزادی اقتصادی یکی از مباحث اصلی در ادبیات اقتصادی است که هم‌چنان اهمیت خود را در مباحث اقتصادی حفظ کرده است. تا قبل از دهه ۱۹۸۰ اغلب کشورهای رو به توسعه شاهد رقابت بین طرفداران نظام سرمایه‌داری و سوسیالیسم بوده‌اند. از دهه ۱۹۸۰ به بعد به ویژه بعد از برچیده شدن دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ گرایش کشورها به آزادسازی اقتصادی افزایش یافته به طوری که حتی کشورهای سوسیالیستی نیز به نظام بازار روی آوردند. بررسی روند تغییرات شاخص‌های آزادی اقتصادی کشورها در دو دهه اخیر کم و بیش حکایت از یک جهت‌گیری عام به سمت آزادسازی اقتصادی در مناطق مختلف جهان دارد. با این وجود در برخی کشورها هنوز مجادله درباره مدیریت اقتصادی بر سر ادامه مکانیسم‌های بازار در مقابل نظارت‌ها جریان دارد. طرفداران اقتصاد بازار معتقدند شکوفا کردن بازارهای رقابتی، خصوصی کردن بنگاه‌های دولتی، تجارت آزاد، جذب سرمایه‌های خارجی و حذف مقررات زاید دولتی و انحرافات قیمتی موجبات بالا رفتن کارایی و رشد را فراهم خواهد آورد. در مقابل منتقدین آزادسازی اقتصادی پیامدهایی نظیر کاهش اقتدار دولت، افزایش نابرابری درآمدی و خروج سرمایه‌های ملی از کشور را مطرح می‌کنند (جعفری‌صمیمی و آذرمنند، ۱۳۸۴). آزادی اقتصادی یعنی: آزادی رقابت، آزادی در دخل و تصرف، مبادله، تامین حقوق مالکیت فکری و... که همه این‌ها در نهایت منجر به آزادی انسان‌ها در نقاط و مراحل مختلف اقتصادی-اجتماعی می‌شود (همان). آزادی اقتصادی رمز موفقیت در جامعه نوین است و به نقاط پیشرفته اجرایی آن رسیدن یعنی رسیدن به توسعه-یافتگی و نبود هیچ‌گونه فقر و رکود در جامعه (روبین و تریبونلا، ۲۰۱۱). واکر^۲، مدیر اجرایی مؤسسه فریزر و فریدمن، کنفرانس‌هایی را برای تعریف و اندازه‌گیری آزادی اقتصادی ترتیب دادند که در آن افراد برجست‌های



چون بکر^۱، نورث^۲، و باوئر^۳ شرکت می‌کردند. این نشست‌ها در نهایت به انتشار گزارش‌های آزادی اقتصادی جهان انجامید و نیز شبکه آزادی اقتصادی سازمان یافت که در آن گروهی از مؤسسه‌های بیش از ۵۰ کشور به جستجو و تحقیق درباره تهیه بهترین شاخص آزادی اقتصادی پرداختند. از آن زمان گزارش‌های سالانه آزادی اقتصادی جهان، به طور مرتب تهیه و منتشر شده است (ادواردز^۴، ۱۹۹۳). بسیاری از اقتصاددانان رهایی از مشکلات اقتصادی و دستیابی به رشد اقتصادی را در گرو ایجاد اقتصاد آزاد و بهره‌گیری از آن می‌دانند. از اینرو بررسی عوامل موثر بر آزادی اقتصادی حائز اهمیت است که یکی از مهمترین آنها شرایط حکمرانی کشورها است.

۱-۲. مروری بر پیشینه حکمرانی و مفاهیم

سیاست‌گذارهای توسعه اقتصادی در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم، به سه دوره متمایز تفکیک می‌گردند که به طور مختصر در مورد آنها توضیح داده می‌شود.

دوره نخست دولت بزرگ (توسعه دولت محور)؛ سیاست‌گذاری توسعه اقتصادی از پایان جنگ جهانی دوم شروع می‌شود و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه می‌یابد. این دوره مقارن با بازسازی ویرانی‌های جنگ در اروپا و طرح مارشال بود و از طرفی تجربه بحران بزرگ ۱۹۲۹ را نیز پشت سر داشت. لذا اکثر نظریه‌پردازان و سیاست‌گذاران اعتقاد به دولت بزرگی داشتند که زمام امور را در دست بگیرد و شرکت‌های دولتی به مثابه «قهرمانان ملی» تصور می‌شدند. در کشورهای در حال توسعه (جهان سوم) نیز استدلال بر این بود که چون بخش خصوصی توان و سرمایه مورد نیاز برای «بسیج توسعه» را ندارد پس دولت از طریق شرکت‌های دولتی، منابع لازم را تجهیز می‌کند. نظریات اقتصاد کنیزی نیز دولت را عامل تصحیح‌کننده، شکست بازار می‌دانستند که با طرح‌های عمرانی دولتی و صرفه‌های مقیاس حاصل شده از آن، فرایند توسعه را تسریع می‌بخشید. این دوره تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه یافت (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳).

دوره دوم دولت کوچک (توسعه بازار محور)؛ در شرایطی که شرکت‌ها و نهادهای دولتی در عمل نشان دادند که کارایی و انعطاف‌پذیری لازم را نداشته، در معرض فشارهای سیاسی و تورم نیروی کار قرار دارند و اکثریت آنها زیان‌ده هستند، دیدگاه طرفداران اقتصاد بازار (مکتب شیکاگو) که خصوصی‌سازی را یک غایت و کمال مطلوب دانسته و خواهان کاهش سهم دولت در تولید ناخالص داخلی و محدود کردن نقش دولت در اقتصاد بودند به شدت رواج یافت. در رویکرد مکتب شیکاگو که در ابتدای دهه ۱۹۹۰ به اجماع واشنگتنی معروف شد، باور به قدرت بازارها و انتخاب مردم بود و کارآمدی رقابت و قیمت‌های بازار جای تخصیص دولتی منابع را می‌گرفت. طبق این دیدگاه، بازارها بهترین نتایج را به بار می‌آورند و قیمت‌ها بهترین تخصیص‌دهنده منابع هستند.

1. G. Becker

2. D. North

3. P. Bauer

4. S. Edwards



هرگونه دخالت دولتی برای تغییر در آنچه بازارها بوجود می‌آورند ضد تولیدی است. نگاه به دولت از «عامل توسعه» به جدی‌ترین «مانع توسعه» تغییر یافت. فرض می‌شد که نهادهای دولت تحت فشار گروه‌های هم‌سود، به دستگاه تولید و توزیع افزونه تبدیل می‌شود؛ پس هر اندازه دولت کوچکتر شود بهتر است (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳).

دوره سوم دولت موافق بازار؛ شعار دوره سوم «حکمرانی خوب» است. منظور از حکمرانی خوب «اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری بر اساس قانون، پاسخگویی و اثربخشی» است. در این دوره دولت و بازار هر دو نهاد اجتماعی هستند که از نقایص و کاستی‌های مختلف رنج می‌برند و توسعه درگرو رفع نقایص و عیوب نهاد بازار و نهاد دولت است. کلید توسعه در فراهم ساختن شرایط و نهادهای است که دولت از عهده انجام وظایف حاکمیتی و پشتیبانی خود برآید و بتواند زمینه‌ساز رشد بازار و هدایت آن به نفع عامه مردم باشد. در واقع در دوره سوم ماهیت مسئله تغییر یافته است. در دوره‌های پیشین مسئله ابعاد دولت (بزرگی و کوچکی آن) مطرح بود، اما در این دوره مسئله کمیت دولت جای خود را به کیفیت مداخله دولت داده است. عدم مداخله دولت یا مداخله دولت ضعیف و ناکارآمد راه‌گشا نخواهد بود، زیرا دخالت دولت ضعیف و بد در اقتصاد، مجموعه‌ای از بحران‌ها و عدم مداخله آن هم بحران‌های دیگری را به وجود می‌آورد (همان).

در فرهنگ لغت انگلیسی اکسفورد؛ حکمرانی "فعالیت یا روش حکمراندن، اعمال کنترل یا قدرت بر فعالیت‌های زیردستان؛ نظامی از قوانین و مقررات" تعریف شده است (همان). کافمن و همکاران^۱ (۲۰۰۹) از محققان بانک جهانی، حکمرانی خوب را نهادها و آداب و رسوم رسمی و غیررسمی تعریف می‌کنند که به وسیله آنها قدرت در جهت مصلحت عمومی در یک کشور اعمال می‌شود و شامل موارد زیر است:

الف) فرآیندی که از طریق آن صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و تعویض می‌شوند،

ب) ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست‌های درست، و

ج) احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آنها را اداره می‌کنند.

بر اساس این تعریف، این محققان شش ویژگی و مولفه را برای حکمرانی بیان می‌کنند. دو ویژگی اول در چارچوب بند الف عبارت از شفافیت و پاسخگویی و ثبات سیاسی بدون حضور خشونت می‌شود. همچنین دو مولفه اثربخشی دولت در انجام وظایف محول شده و کیفیت تنظیم‌گری مقررات در چارچوب بند ب جای می‌گیرد و سرانجام دو مولفه تامین قضایی و کنترل فساد به وضعیت چارچوب‌های قانونی و نوع رابطه شهروندان و دولت با این چارچوب‌ها (بند ج) اشاره دارد (شاه‌آبادی و پورجوان، ۱۳۸۹).

مفهوم حکمرانی خوب و اثرات آن بر آزادی اقتصادی یکی از مسائل مهم در عرصه اقتصاد است. در جهان امروزی، نهادهای موجود در جامعه نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت افراد دارند. چگونگی رفتارهای نهادها در



برخورد با مردم، فرصت‌های متنوعی را پیش‌روی آنها خواهد گذاشت. این نهادها توانایی این را دارند که در تحقق آزادی‌های مورد نظر مردم، فعال حاضر شوند. حکمرانی خوب شامل ایجاد یک اقتصاد سالم و قدرتمند است که محیطی باثبات برای فعالیت بازار ایجاد کند. این نوع حکمرانی همچنین به معنی نبود فساد است که می‌تواند موجب تخریب اهداف سیاسی و از بین رفتن مشروعیت نهادهای عمومی شود. این نوع حکمرانی برای افزایش رشد، توسعه و آزادی اقتصادی و کاهش فقر بسیار بااهمیت است. به علاوه ابعاد مختلف حکمرانی ضعیف- عمدتاً فساد و تورم بالا- هزینه‌هایی به دنبال دارد که فعالین اقتصادی را به طور نامناسبی تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. با مطالعه و شناسایی اطلاعات بیان شده برای ایجاد حکمرانی خوب، می‌توان جامعه را به سمت آزادی اقتصادی مدنظر سوق داد. اما باید توجه داشت عملیاتی و اجرای کردن آن‌ها در کشورهای مختلف، متفاوت است و این‌که در یک کشور خاص باید کارهای خاصی انجام شود تا به درجه مناسب حکمرانی خوب مدنظر برای آزادی اقتصادی رسید. به تعبیری دیگر حکمرانی خوب در پی معرفی راهکارها، فرآیندها و نهادهایی که به واسطه آن‌ها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال، حقوق قانونی خود را استیفا و تعهداتشان را برآورده و تفاوتشان را تعدیل کنند، است. پس با ایجاد فضای مناسب برای حکمرانی خوب با راهکارها و فرآیندهای کارآ می‌توان به بهبود آزادی اقتصادی در جامعه دست یافت (نادری، ۱۳۹۰).

در ادامه به اهم مطالعات تجربی صورت گرفته در این زمینه می‌پردازیم:

پیو و میولر^۱ (۲۰۱۲) مقاله‌ای با عنوان دموکراسی، آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی در کشورهای درحال گذار طی دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۴ ارائه داده‌اند. نتایج مطالعه حاکی از آن است که ارتباط مثبتی بین دموکراسی و کیفیت نهادهای اقتصادی در کشورها وجود دارد و با وجود نهادهای دموکراتیک‌تر، آزادی اقتصادی بیشتر و فساد کمتر است. به عنوان نمونه در کشورهای بلغارستان و رومانی بدلیل داشتن نهادهای دموکراتیک ضعیف، آزادی اقتصادی آنها ضعیف و فساد آنها بالاست و در مقابل کشورهای حوزه بالتیک که نهادهای دموکراتیک قوی دارند از آزادی اقتصادی بالاتری برخوردارند. بعلاوه آنها بیان می‌دارند؛ آزادی اقتصادی بالاتر بدلیل وجود دموکراسی به رشد اقتصادی سریعتر در کشورها می‌انجامد.

سها و همکاران^۲ (۲۰۰۹) به بررسی تجربی اثر متقابل آزادی اقتصادی و دموکراسی در مبارزه با فساد برای ۱۰۰ کشور جهان پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد، تعامل میان آزادی اقتصادی و دموکراسی تاثیر مهمی در مبارزه با فساد دارد. تجزیه و تحلیل اثر جزئی نشان می‌دهد آزادی اقتصادی، فساد را در هر محیط سیاسی کاهش داده و در مقابل دموکراسی در سطحی که آزادسازی اقتصادی کم است، فساد را افزایش می‌دهد.

1. E. Peev & D.C. Mueller

2. S. Saha etal



دمیترا و آدریانا^۱ (۲۰۰۹) بیان می‌دارند بزرگتر شدن دولت از حد مطلوب بدلیل ناکارآمدی در فعالیت- هایش، رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد و وظیفه اساسی دولت‌ها، حفاظت از افراد و اموال آنها و ارایه کالا و خدمات عمومی بوده که رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد. همچنین بهبود محیط سرمایه‌گذاری و آزادی اقتصادی در گرو حاکمیت قانون، حکایت از حقوق مالکیت و کاهش هزینه‌های معاملاتی دارد.

سوالیهن و استانس^۲ (۲۰۰۷) به بررسی تجربی رابطه آزادی اقتصادی، فساد و رشد اقتصادی در طول دوره ۲۰۰۴-۱۹۹۵ بین ۶۰ کشور جهان پرداخته‌اند. نتایج مطالعه حاکی از آن است، برای کشورهایی با آزادی اقتصادی پایین (که در آن افراد را در انتخاب‌های اقتصادی محدود کرده‌اند)، فساد، رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد. به هر حال، در کشورهای با آزادی اقتصادی بالا، افزایش فساد باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود. بنابراین، در اقتصادی که در آن آزادی اقتصادی بالا است، اگر با رشوه دادن مقامات سخت‌کوش دولتی باعث اعمال کمتر محدودیت در فعالیت‌های شرکت‌ها شود، تولید افزایش خواهد یافت. با این حال، فساد ناشی از رشوه باعث کاهش رقابت و افزایش سختی بازار می‌شود. نتایج اقتصادسنجی منجر به این نتیجه‌گیری شده که فساد برای رشد اقتصادی مضر است. این یافته‌ها دارای پیامدهای قابل توجهی برای سیاست‌های عمومی، به ویژه برای کشورهای در حال توسعه است. آن‌ها بیان می‌دارند در کشورهای با فساد بسیار بالا (CPI^۳ نزدیک به صفر) و با آزادی اقتصادی بسیار کم (EFI^۴ زیر ۴۸/۵۴) رو به رو هستیم. لذا تمرکز بر سیاست‌های ضد فساد برای تشویق آزادسازی اقتصادی بهتر است تا بتوانیم به رشد اقتصادی برسیم.

نتایج مطالعه گوارتنی و لاوسون^۵ (۲۰۰۴) مؤید آن است که آزادی اقتصادی درآمدها و استانداردهای زندگی را بهبود می‌بخشد که این موضوع در گرو نهادهای قوی و توسعه بیشتر آنهاست و کشورهای در حال- توسعه فقیری که سیاست‌های سازگار با آزادی اقتصادی اتخاذ کرده‌اند بیش از دیگر کشورها به پیشرفت دست یافته‌اند. به تعبیر دیگر آزادی اقتصادی ارتباط بسیار قوی با اقدامات سیاسی و حقوق و آزادی‌های مدنی دارد گرچه در این مورد استثنا هم وجود دارد مانند سنگاپور که با وجود درجه آزادی اقتصادی بالا از سطوح آزادی سیاسی ضعیفی برخوردار است.

وگا گوردیلو و الوارز آرس^۶ (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای به بررسی و شناخت ارتباط و وابستگی علی بین آزادی اقتصادی، مردم سالاری و رشد اقتصادی ۴۵ کشور از مناطق مختلف آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین و کشورهای پیشرفته صنعتی در دوره زمانی ۱۹۹۵-۱۹۷۰ پرداخته‌اند. آنها بیان می‌دارند، در جوامع در حال توسعه‌ای که فقدان نهادهای نظارتی دموکراتیک بر فعالیت‌های دولت وجود دارد، رواج فساد باعث به تاخیر انداختن فرایند رشد اقتصادی می‌شود. راک معتقد است دموکراسی منجر به کاهش فساد می‌شود و نرخ‌های پایین‌تر فساد به



طور نامحسوسی زمینه‌های مساعد رشد بالاتر را فراهم می‌آورد. وی همچنین اشاره می‌کند که توان بالقوه برای رانت‌جویی در کشورهایی با اقتصاد به‌شدت کنترل‌شده و آزادی اقتصادی اندک، بیشتر است. نتایج مقاله حاکی از آن است که آزادی اقتصادی سریعتر از آزادی سیاسی، رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر نتیجه می‌شود تاثیر آزادی‌های سیاسی نسبت به آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی بسیار کمتر روشن است. اما این پذیرفتنی است که بگوییم تامین آزادی‌های سیاسی نباید به تعویق بیفتد. علاوه بر این، روابط پویای برآورد شده با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته نشان می‌دهد که دموکراسی ممکن است منجر به تحریک سریعتر رشد و آزادی اقتصادی شود. آنها همچنین نشان می‌دهند که شکوفایی اقتصادی باعث می‌شود تا ایجاد نهادهای دموکراتیک آسانتر صورت گیرد. بنابراین هیچ دلایل اقتصادی برای به تعویق انداختن ایجاد نهادهای دموکراتیک که اولویت را بر اصلاحات بازار قرار می‌دهند، وجود ندارد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود که کشورهای کمتر توسعه‌یافته باید مزایای اصلاحات گسترده نهادی به منظور ارتقا رشد اقتصادی و ترویج و تحکیم آزادی‌های سیاسی و اقتصادی را پذیرا باشند.

بنابراین وجود حکمرانی خوب، بستر لازم را بهبود آزادی اقتصادی فراهم می‌کند. اگرچه این فرآیند علاوه بر حکمرانی خوب نیازمند عوامل بسترساز دیگری نیز هست، ولی در این میان کیفیت حکمرانی عاملی اساسی به شمار می‌رود و بدون آن - حتی در صورت وجود سایر عوامل - آزادی اقتصادی مطلوب تحقق نمی‌یابد. شایان ذکر است، مطالعات داخلی گسترده‌ای به صورت مجزا در خصوص آزادی اقتصادی و حکمرانی صورت گرفته است، اما با نگاهی به مطالعات صورت گرفته، می‌توان بیان داشت تاکنون مطالعه‌ای در خصوص در زمینه آزادی اقتصادی و حکمرانی به صورت همزمان صورت نگرفته است که در ادامه برخی از اهم آنها پرداخته می‌شود.

متفکر آزاد و همکاران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای به تحلیل اثرات همزمان آزادی اقتصادی، توسعه انسانی و آزادی سیاسی در کشورهای منتخب اسلامی طی دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۰۱ پرداخته‌اند. از نتایج این پژوهش می‌توان به اثر مستقیم و قابل توجه توسعه انسانی بر آزادی اقتصادی و آزادی سیاسی و نیز اثر متقابل آزادی اقتصادی بر توسعه انسانی و بی‌اثر بودن آزادی سیاسی بر توسعه انسانی و همچنین اثر معکوس آزادی اقتصادی و آزادی سیاسی بر یکدیگر اشاره نمود.

ولی بیگی و پناهی (۱۳۸۹) به بررسی جایگاه ایران در اقتصاد جهانی در مقایسه با کشورهای منتخب (از منظر شاخص‌های توسعه انسانی، آزادی اقتصادی و محیط کسب و کار) پرداخته‌اند. بررسی گزارشات بانک جهانی در مورد شاخص فضای کسب و کار و شاخص آزادی اقتصادی که بر اساس شاخص‌های بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و واحد اطلاعات اقتصادی اکونومیست محاسبه می‌شود، نشان می‌دهد که در حال حاضر ایران در شاخص‌های مذکور در مقایسه با کشورهای منطقه، در جایگاه مناسبی قرار ندارد. هر چند در برخی شاخص‌ها ممکن است بالاتر از کشورهای منطقه باشد.



رزمی و همکاران (۱۳۸۸) به ارزیابی تاثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی با رویکرد مکتب نهادگرا: بررسی علی برای ۵۷ کشور طی دوره زمانی ۲۰۰۶-۲۰۰۰ پرداخته‌اند. نتیجه نشان‌دهنده رابطه مثبت آزادی و رشد اقتصادی با توجه به کارایی نهادهای موجود در هر جامعه است. دو زیر شاخص "امنیت حقوق مالکیت و ساختار قضایی" و "قانون کار و تجارت و بازار اعتبار" از زیر شاخص‌های شاخص کلی آزادی اقتصادی موسسه فریزر که به عنوان نماینده آزادی اقتصادی در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفته است، اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی دارند.

یوسفی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان "حکومت قانون و آزادی اقتصادی" بیان می‌دارد، حکومت قانون نه تنها از دید ابزاری دستیابی به هدف‌های گوناگون را برای بشر امکان پذیر می‌سازد، بلکه خود بخشی جدانشدنی از توسعه اقتصادی به شمار می‌آید. اگر قانون نارسا، ناکارآمد و ناپایدار باشد یا محترم شمرده نشود، سیاست‌ها هر اندازه هم درست و اصولی باشد، به جایی نخواهد رسید. در جامعه انسانی، رقابت در بازار به مفهوم «مبارزه برای بقا» در دوران پیش از تاریخ نیست، بلکه سازماندهی درست اجتماعی، استوار بر اصول اخلاقی و قانونمند است. رقابت ویژگی اصلی و مرکزی بازار نیست، برجسته‌ترین ویژگی بازار، هماهنگی گزینش‌های آزاد است. بی‌حاکمیت قانون، اقتصاد آزاد، دست نیافتنی و یک توهم خواهد بود.

۲. روش‌شناسی پژوهش

شناخت فضای نوین اقتصاد جهانی به منظور بدست‌آوردن موقعیت مناسب در عرصه بین‌المللی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از اینرو، تمام کشورها بویژه کشورهای در حال توسعه نیازمند درک صحیح از جایگاه نسبی خود در مقایسه با سایر کشورها هستند تا از طریق آن بتوانند سیاست‌های خود را منطبق با موقعیت نسبی خود و براساس رویکردهای نوین اقتصاد جهانی اتخاذ نمایند، شناخت این مسئله به آنها کمک خواهد کرد تا بتوانند توانمندی‌های خود را در جهت بهبود عملکردشان ارتقا بخشند. لذا در این بخش از مطالعه با استفاده از آمار و اطلاعات مربوط به سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۰۰ موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی به تحلیل مقایسه‌های جایگاه کشورهای عضو گروه D8 و G7 در شاخص‌های حکمرانی و آزادی اقتصادی می‌پردازیم. همچنین در ادامه به منظور تبیین بهتر جایگاه جمهوری اسلامی ایران در شاخص‌های مذکور از شکل‌های تار عنکبوتی بهره می‌گیریم.

۲-۱. ترسیم جایگاه کشورهای مورد مطالعه در شاخص‌های آزادی اقتصادی:

شاخص آزادی اقتصادی، شاخص جامعی است که اکثر متغیرهای کلان اقتصادی را پوشش می‌دهد. می‌توان اظهار داشت، بهبود شاخص آزادی اقتصادی به منزله بهبود فضای حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی است. آزادی اقتصادی به معنای آزاد بودن افراد در دخل و تصرف، معاوضه، مبادله و واگذاری دارایی‌های شخصی



است که از طریق قانونی بدست آورده‌اند (سامتی و همکاران، ۱۳۸۵). تهیه‌کنندگان این شاخص بر این باورند که اصلی‌ترین اجزای آزادی اقتصادی را انتخاب شخصی حمایت از دارایی‌های خصوصی و آزادی مبادله تشکیل می‌دهد. بنابراین شهروندان یک جامعه در صورتی از آزادی اقتصادی برخوردارند که اولاً، دارایی‌هایی را که غیر از راه زور، فریب و سرقت به دست آورده‌اند از تعرض دیگران در امان باشد، ثانیاً بتوانند آزادانه از این دارایی‌ها استفاده کنند، آنها را مبادله کنند و یا به دیگران ببخشند، در حالی که با این آزادی، متعرض حقوق مشابه دیگر شهروندان نگردند. شاخص آزادی اقتصادی، شاخصی موزون و مرکب از ۳۸ متغیر فرعی است که در ۵ متغیر اصلی با وزن‌های متفاوت طراحی شده است، ۵ متغیر اصلی شامل ۱- اندازه دولت، ۲- ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت، ۳- دسترسی به پول سالم، ۴- آزادی در مبادله با خارجیان و ۵- ضوابط و مقررات اعتباری، بازار کار و کسب و کار است (سامتی و همکاران، ۱۳۸۵). محدوده شاخص آزادی اقتصادی و اجزای تشکیل‌دهنده آن بین صفر تا ۱۰ است و هرچه عدد شاخص به ۱۰ نزدیک‌تر گردد، نشانگر آزادی اقتصادی بیشتر است. در جدول (۱) وضعیت کشورهای گروه D8 و G7 در شاخص آزادی اقتصادی تصویر شده است.

جدول (۱): متوسط شاخص آزادی اقتصادی کشورهای گروه D8 و G7 طی دوره ۲۰۰۹-۲۰۰۰

کشور	حجم و اندازه دولت	ساختار حقوقی و حمایت از حقوق مالکیت	دسترسی به نقدینگی سالم	آزادی تجارت خارجی	تنظیم قوانین مالی بازار اعتباری، بازار نیروی کار و کسب و کار	میانگین کل
اندونزی	۷/۳۸ (۳)	۳/۹۶ (۵)	۷/۰۴ (۳)	۷/۲۲ (۲)	۵/۵ (۶)	۶/۲۱ (۳)
ایران	۶/۲۸ (۷)	۵/۸۲ (۲)	۷/۹۹ (۲)	۵/۷۱ (۶)	۵/۰۲ (۸)	۶/۱۹ (۴)
بنگلادش	۸/۰۹ (۱)	۳/۰۸ (۸)	۶/۷۲ (۵)	۵/۵۶ (۷)	۶/۱ (۴)	۵/۹۱ (۷)
پاکستان	۷/۴۳ (۲)	۳/۵۷ (۷)	۶/۰۵ (۶)	۵/۴۸ (۸)	۶/۲۳ (۳)	۵/۷۶ (۸)
ترکیه	۷/۳۶ (۴)	۵/۴۲ (۳)	۵/۵۳ (۸)	۶/۷۴ (۳)	۵/۵۸ (۵)	۶/۱۳ (۵)
مالزی	۵/۷۴ (۸)	۶/۵۲ (۱)	۶/۸۴ (۴)	۷/۴۴ (۱)	۷ (۱)	۶/۷۱ (۱)
مصر	۶/۴۶ (۶)	۵/۲۳ (۴)	۹ (۱)	۶/۱۷ (۵)	۵/۲۶ (۷)	۶/۴۲ (۲)
نیجریه	۶/۸۵ (۵)	۳/۷۳ (۶)	۵/۹۶ (۷)	۶/۷ (۴)	۶/۸۱ (۲)	۶ (۶)
میانگین گروه 8D	۶/۹۴	۴/۸	۶/۸۹	۶/۳۷	۵/۹۳	۶/۱۶



انگلیس	(۳) ۶/۱۵	(۱) ۸/۶۷	(۷) ۹/۴۳	(۲) ۷/۹۲	(۳) ۷/۹۷	(۳) ۸/۰۲
ایتالیا	(۵) ۵/۳۸	(۷) ۶/۳۷	(۵) ۹/۵۳	(۵) ۷/۴۷	(۶) ۶/۲۶	(۷) ۷/۰۱
آلمان	(۷) ۵/۱۴	(۲) ۸/۶۴	(۴) ۹/۵۳	(۱) ۸/۱	(۷) ۶/۱۹	(۴) ۷/۵۱
آمریکا	(۱) ۷/۰۴	(۴) ۷/۹۳	(۱) ۹/۷۳	(۳) ۷/۵۹	(۱) ۸/۱۶	(۱) ۸/۰۹
ژاپن	(۴) ۶/۰۶	(۵) ۷/۶۲	(۲) ۹/۶۶	(۶) ۶/۳۹	(۴) ۷/۵	(۵) ۷/۴۵
فرانسه	(۸) ۳/۹۶	(۶) ۷/۵	(۳) ۹/۵۹	(۳) ۷/۵۹	(۵) ۶/۸۷	(۶) ۷/۱
کانادا	(۲) ۶/۵۲	(۳) ۸/۵۱	(۶) ۹/۴۴	(۴) ۷/۵۵	(۲) ۸/۱۴	(۲) ۸/۰۴
میانگین گروه G7	۵/۷۵	۷/۸۹	۹/۵۵	۷/۵۱	۷/۲۹	۷/۶۰

مأخذ: پایگاه اطلاعاتی فریزر، Economic Freedom Report at the world

*اعداد داخل پرانتز بیانگر رتبه کشورها در شاخص مورد نظر است.

براساس جدول فوق، بنگلادش در شاخص حجم و اندازه دولت با نمره ۸/۰۹ رتبه اول را در بین کشورهای گروه D8 را به خود اختصاص داده است و پس از آن پاکستان و اندونزی در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند. جمهوری اسلامی ایران نیز در شاخص مذکور با کسب نمره ۶/۲۸، رتبه هفتم را به خود اختصاص داده است. در بین کشورهای G7 نیز، آمریکا و فرانسه به ترتیب با کسب نمره‌های ۷/۰۴ و ۳/۹۶ بهترین و ضعیف‌ترین عملکرد را داشته‌اند. در شاخص ساختار حقوقی و حمایت از حقوق مالکیت انگلیس و ایتالیا با کسب نمره‌های ۸/۶۷ و ۶/۳۷ در رده اول و آخر کشورهای G7 قرار گرفته‌اند. در گروه D8 نیز مالزی موفق‌ترین کشور بوده و توانسته رتبه اول را به خود اختصاص دهد و جمهوری اسلامی ایران نیز با نمره ۵/۸۲ رتبه دوم را بدست آورده است. همچنین بنگلادش در بین گروه D8 ضعیف‌ترین عملکرد را به خود اختصاص داده است. گفتنی است در شاخص دسترسی به نقدینگی سالم، آمریکا با کسب نمره ۹/۷۳ در بین گروه G7، رتبه اول را به خود اختصاص داده است و بعد از آن ژاپن و فرانسه با نمره ۹/۶۶ و ۶/۵۹ رتبه دوم و سوم را کسب نموده‌اند. همچنین در گروه D8، رتبه اول و دوم به ترتیب به مصر و جمهوری اسلامی ایران با نمره‌های ۹ و ۷/۹۹ تعلق دارد و ترکیه با نمره ۵/۵۳ رتبه آخر را احراز کرده است. همانطور که از جدول فوق مشاهده می‌گردد؛ در شاخص آزادی تجارت خارجی نیز آلمان با نمره ۸/۰۱ رتبه برتر را در بین گروه G7 بدست آورده است و ژاپن با نمره ۶/۳۹ رتبه آخر را احراز کرده است. در بین گروه D8، مالزی و پاکستان با نمره ۷/۴۴ و ۵/۴۸ رتبه اول و آخر را به خود اختصاص داده‌اند. جمهوری اسلامی ایران نیز در این شاخص با کسب نمره ۵/۷۱ در جایگاه ششم قرار دارد. در آخرین شاخص آزادی اقتصادی (تنظیم قوانین مالی بازار اعتباری، بازار نیروی کار و کسب و کار) آمریکا رتبه اول را در بین گروه G7 بدست آورده است و آلمان نیز با نمره ۶/۱۹ در رتبه آخر این رده‌بندی قرار

گرفته است. موفق‌ترین و ضعیف‌ترین عملکرد در این شاخص در بین گروه D8، به ترتیب متعلق به مالزی و جمهوری اسلامی ایران با نمره ۷ و ۵/۰۲ است. در نهایت با نگاهی دقیق‌تر به جدول (۱) و براساس میانگین کل اجزای شاخص آزادی اقتصادی مشخص می‌گردد؛ در بین گروه G7، آمریکا با نمره ۸/۰۹ به عنوان آزادترین و ایتالیا با نمره ۷/۰۹ به عنوان بسته‌ترین اقتصاد هستند. همچنین در بین گروه D8، مالزی با نمره ۶/۷۱ آزادترین اقتصاد و مصر با نمره ۶/۴۲ بسته‌ترین اقتصاد است. جمهوری اسلامی ایران نیز با کسب نمره ۶/۱۹ چهارمین اقتصاد آزاد در بین گروه D8 است. از اینرو در پایان می‌توان بیان داشت وضعیت اکثر کشورهای درحال توسعه گروه D8 در قیاس با کشورهای توسعه‌یافته عضو گروه G7 در شاخص‌های آزادی اقتصادی ضعیف و نامطلوب است. حال آنکه در دنیای امروز، باور بر این است که آزادی اقتصاد به تخصیص بهتر منابع، رشد اقتصادی، آزادی و رفاه شهروندان می‌انجامد. از اینرو با توجه به جایگاه کشورهای درحال توسعه در شاخص مذکور ضروریست مسئولان و اندیشمندان اقتصادی کشورها اهمیت ویژه‌ای برای عوامل مؤثر بر آن قائل باشند که حکمرانی خوب مؤلفه مناسبی برای بهبود آزادی اقتصادی است و بهتر است کشورها به آن ارجحیت دهند. با مطالعه شاخص‌های حکمرانی خوب می‌توان جوامع را به سمت آزادی اقتصادی مدنظر سوق داد که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

۲-۲. ترسیم جایگاه کشورهای مورد مطالعه در شاخص‌های حکمرانی

به دلیل وجود تعاریف متعدد از حکمرانی خوب هر یک از نهادهای متعدد بین‌المللی با برشمردن ویژگی‌های متفاوت و متنوع برای کیفیت حکمرانی اقدام به تهیه شاخص‌های حکمرانی نموده‌اند. حال آنکه در مطالعه حاضر از میان شاخص‌های موجود به شاخص‌های ششگانه بانک جهانی توجه می‌شود. شاخص‌های حکمرانی بانک جهانی بر اساس گزارشی است که سالانه توسط کافمن و همکاران^۱ از سال ۱۹۹۶ به بعد ارائه می‌شود. شاخص‌های ششگانه حکمرانی (GII) عبارتند از: شاخص شفافیت و پاسخگویی^۲ (VA)، شاخص ثبات سیاسی^۳ (PS)، شاخص اثربخشی دولت^۴ (GE)، شاخص کیفیت قوانین و مقررات^۵ (RQ)، شاخص حاکمیت قانون^۶ (RL) و شاخص کنترل فساد^۷ (CC). دامنه اعداد اجزای شاخص حکمرانی بین ۲/۵- تا ۲/۵ است و اعداد بزرگتر بیانگر بهتر و کارا تر بودن کیفیت حکمرانی هستند. که در ادامه به بررسی هر یک از شاخص‌ها می‌پردازیم.

- | | | |
|----------------------------------|--------------------------------|-----------------------------|
| 1. D. Kaufman et al | 2. Voice & Accountability (VA) | 3. Political Stability (PS) |
| 4. Government Effectiveness (GE) | 5. Regulatory Quality (RQ) | |
| 6. Rule of Law (RL) | 7. Control of Corruption (CC) | |



جدول (۲): متوسط اجزای شاخص حکمرانی کشورهای گروه D8 و G7 (طی دوره‌ی زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۰)

کشور	حق اظهارنظر و پاسخگویی	ثبات سیاسی	اثربخشی دولت	کیفیت قوانین و مقررات	حاکمیت قانون	کنترل فساد	میانگین کل
اندونزی	۱/۱۹- (۲)	۱/۳۵- (۶)	۰/۳۲- (۳)	۰/۴۳- (۴)	۰/۷۴- (۴)	۰/۸۲- (۵)	۰/۵-
ایران	۱/۳۶- (۸)	۱/۰۶- (۴)	۰/۵۲- (۵)	۱/۴۹- (۸)	۰/۷۸- (۵)	۰/۵۸- (۴)	۰/۹۶-
بنگلادش	۰/۴۶- (۴)	۱/۳۳- (۵)	۰/۷۳- (۷)	۰/۹۳- (۷)	۰/۸۸- (۷)	۱/۱۴- (۸)	۰/۹۱-
پاکستان	۱/۰۴- (۷)	۲/۰۸- (۸)	۰/۵۷- (۶)	۰/۶۵- (۵)	۰/۸۵- (۶)	۰/۹۲- (۶)	۱/۰۱-
ترکیه	۰/۱۷- (۱)	۰/۸۶- (۳)	۰/۱۹- (۲)	۰/۲۶- (۲)	۰/۰۶- (۲)	۰/۱۱- (۲)	۰/۱۰-
مالزی	۰/۴۲- (۳)	۰/۲۱- (۱)	۱/۱۰- (۱)	۰/۵۲- (۱)	۰/۴۹- (۱)	۰/۲۳- (۱)	۰/۳۵
مصر	۱/۰۳- (۶)	۰/۷۱- (۲)	۰/۳۸- (۴)	۰/۳۷- (۳)	۰/۱۰- (۳)	۰/۵۲- (۳)	۰/۵۱-
نیجریه	۰/۷۳- (۵)	۱/۸۴- (۷)	۱/۰۱- (۸)	۰/۹۰- (۶)	۱/۲۴- (۸)	۱/۱۲- (۷)	۱/۱۴-
میانگین گروه 8D	۰/۶۷-	۱/۱۲-	۰/۲۸-	۰/۴۹-	۰/۵-	۰/۶۲-	۰/۶۱-
آلمان	۱/۳۷- (۲)	۰/۹۱- (۲)	۱/۶۱- (۴)	۱/۵۳- (۴)	۱/۶۵- (۳)	۱/۸۲- (۳)	۱/۴۸
آمریکا	۱/۲- (۵)	۰/۴۲- (۶)	۱/۶۳- (۳)	۱/۵۴- (۳)	۱/۵۶- (۴)	۱/۵۳- (۴)	۱/۳۱
انگلیس	۱/۳۵- (۳)	۰/۴۶- (۵)	۱/۷۱- (۲)	۱/۷۳- (۱)	۱/۶۷- (۲)	۱/۸۵- (۲)	۱/۴۶
ایتالیا	۱/۰۱- (۶)	۰/۵۴- (۴)	۰/۵۳- (۷)	۰/۹۱- (۷)	۰/۵۱- (۷)	۰/۳۴- (۷)	۰/۶۴



۱/۱۵	۱/۲۹ (۶)	۱/۲۷ (۶)	۱/۰۲ (۶)	۱/۳۶ (۶)	۱/۰۰ (۱)	۱/۰۰ (۷)	ژاپن
۱/۲۱	۱/۳۸ (۵)	۱/۴۰ (۵)	۱/۱۶ (۵)	۱/۵۸ (۵)	۰/۵۵ (۳)	۱/۲۴ (۴)	فرانسه
۱/۶۲	۲/۰۲ (۱)	۱/۷۴ (۱)	۱/۶۰ (۲)	۱/۸۷ (۱)	۱/۰۰ (۱)	۱/۴۹ (۱)	کانادا
۱/۲۷	۱/۴۶	۱/۴	۱/۳۵	۱/۴۷	۰/۶۹	۱/۲۳	میانگین گروه G7

مأخذ: www.govindicators.org

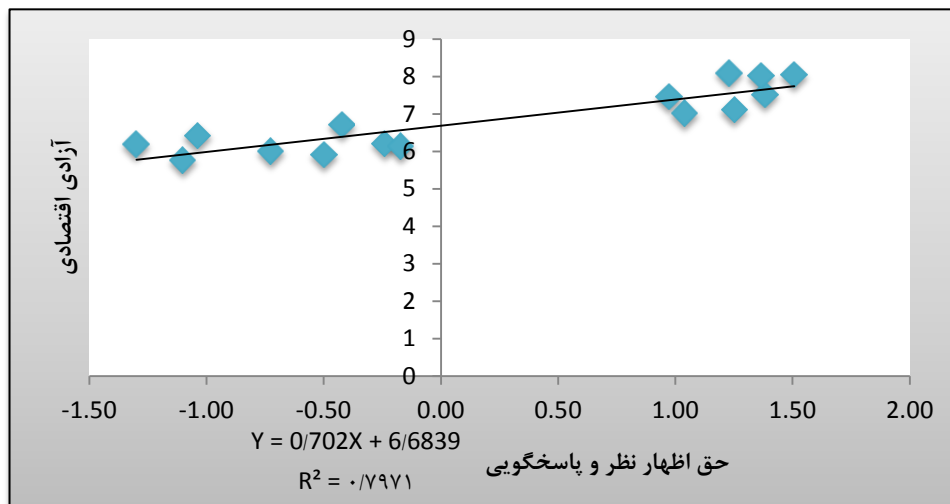
* اعداد داخل پرانتز بیانگر رتبه کشورها در شاخص مورد نظر است.

۲-۲-۱. شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی

مقصود از این شاخص میزان مشارکت شهروندان در انتخاب دولت و نظام سیاسی است. این شاخص همچنین بیانگر میزان آزادی بیان، آزادی احزاب و تشکلهای و اجتماعات، و آزادی رسانه‌های جمعی است. براساس این شاخص هرچه مردم در یک جامعه نقش بیشتری در تعیین زمامداران و هیئت حاکمه داشته و حضور و نقش احزاب و تشکلهای و انجمن‌ها و نظایر آنها در جامعه بیشتر باشد، و رسانه‌های جمعی و افراد مختلف بتوانند آزادانه فعالیت و نظر خود را بیان کنند، نشان‌دهنده وضعیت بهتری از حکمرانی خوب است (نادری، ۱۳۹۰). براساس جدول (۲) بهترین و ضعیف‌ترین عملکرد در شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی به ترتیب متعلق به کانادا با ۱/۴۹ و ژاپن با ۱/۰۰ در بین کشورهای گروه G7 است. در بین کشورهای گروه D8 نیز ترکیه با ۰/۱۷ - عملکرد بهتری داشته و رتبه اول را بدست آورده است. جمهوری اسلامی ایران با مقدار ۱/۳۶ - ضعیف‌ترین عملکرد را از نظر شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی به خود اختصاص داده است. همچنین همانطور که در شکل (۱) مشاهده می‌گردد، شاخص حق اظهار نظر و پاسخگویی "همبستگی مثبت" با شاخص آزادی اقتصادی دارد. باید اذعان نمود؛ دسترسی بهنگام به اطلاعات، شفافیت در ارائه اطلاعات و حق اظهار نظر و پاسخگویی، افزایش مسئولیت‌پذیری مسئولان، افزایش اعتماد صاحبان پس‌انداز و سرمایه‌گذاران و روان‌سازی عملکرد فعالیت‌های اقتصادی را نوید می‌دهد. بعلاوه هر قدر حق اظهار نظر و پاسخگویی در جامع‌های بیشتر باشد، امکان گرفتن تصمیم‌های آگاهانه و پاسخگویی بخش خصوصی و دولتی در مورد چگونگی تحویل و مصرف منابع بیشتر می‌شود کارایی بازارها و ثبات در آنها ارتقا می‌یابد. در نتیجه شاخص آزادی اقتصادی بهبود خواهد یافت.



شکل ۱. پراکنش آزادی اقتصادی و حق اظهار نظر و پاسخگویی کشورهای مورد مطالعه



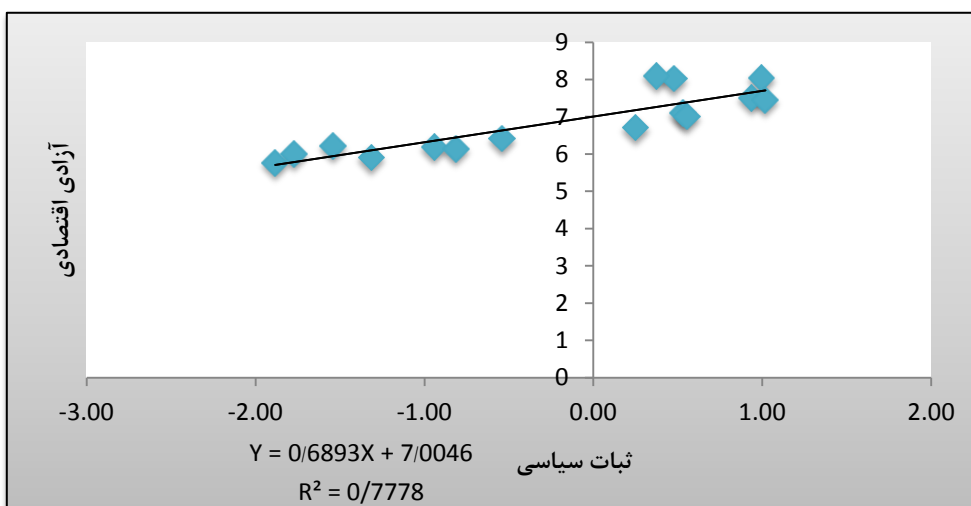
مأخذ: www.govindicators.org، پایگاه اطلاعاتی فریزر و یافته‌های پژوهش

۲-۲-۲. شاخص ثبات سیاسی

این شاخص بیانگر آن است که چه میزان احتمال دارد یک حکومت و نظام سیاسی از راه‌های غیرقانونی یا ابزارهای خشونت‌آمیز در معرض بی‌ثباتی و سرنگونی و براندازی باشد. در اینجا عواملی همچون تروریسم و خشونت‌های سیاسی مدنظر هستند. براساس این شاخص، هرچه احتمال نبودن ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد نشان‌دهنده حکمرانی ضعیف است و هرچه کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد، در زمینه حکمرانی خوب امتیاز بالاتری را کسب می‌کند (همان). از جدول (۲) مشخص می‌گردد؛ بین کشورهای گروه G7 کانادا و ژاپن با شاخصی معادل ۱/۰۰ رتبه اول را در شاخص ثبات سیاسی احراز کرده‌اند و آمریکا نیز در شاخص فوق با ۰/۴۲ رتبه‌ی آخر را کسب کرده است. همچنین رتبه اول و آخر در شاخص مذکور در بین کشورهای گروه D8 متعلق به مالزی و پاکستان به ترتیب معادل ۰/۲۱ و ۲/۰۸- است. جمهوری اسلامی ایران نیز با شاخصی معادل ۱/۰۶- در رتبه چهارم در بین کشورهای گروه D8 قرار گرفته است. همچنین براساس شکل (۲)، شاخص ثبات سیاسی "همبستگی مثبت" با شاخص آزادی اقتصادی دارد. اصولاً فعالین اقتصادی و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی به‌دنبال مکانی برای سرمایه‌گذاری هستند که بیشترین بازدهی و کمترین ریسک را برای آنها به همراه داشته باشد و طبیعی است کشورهایی که درگیر آشوب، اغتشاش، نزاع‌های داخلی، کودتا و پدیده‌های مانند آن هستند، ریسک و هزینه‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی را بالا

برده و جذابیت خود را از دست می‌دهند و انگیزه برای فعالیت‌های مولد بویژه در بلندمدت را کاهش - می‌دهند و از این رهگذر موجب بدتر شدن اجزای شاخص آزادی اقتصادی می‌شوند.

شکل ۲. پراکنش آزادی اقتصادی و ثبات سیاسی کشورهای مورد مطالعه



مأخذ: www.govindicators.org، پایگاه اطلاعاتی فریزر و یافته‌های پژوهش

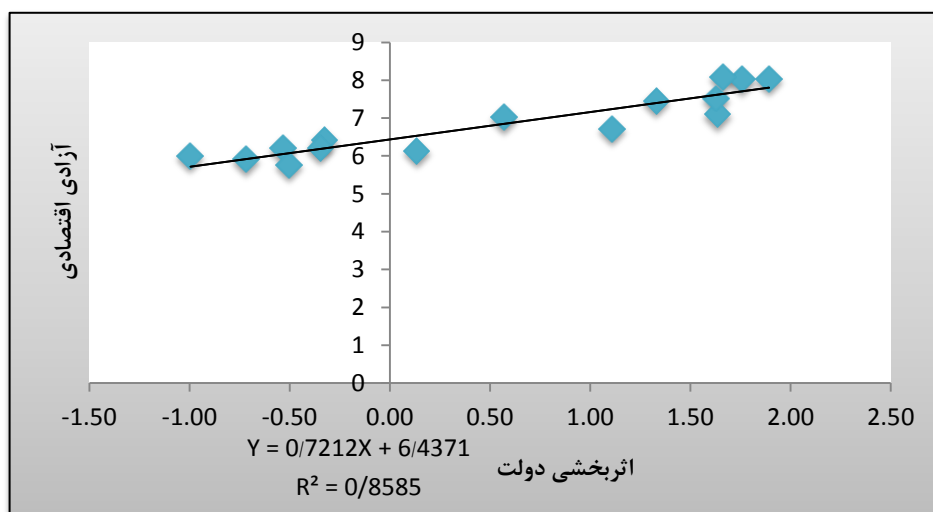
۲-۲-۳. شاخص اثربخشی دولت

در این شاخص، کیفیت خدمات عمومی، خدمات شهروندی و میزان استقلال آن‌ها از فشارهای سیاسی مدنظر است. همچنین کیفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و دولتی، و میزان تعهدی که دولت در برابر این سیاست‌ها دارد، در این شاخص در کانون ارزیابی قرار می‌گیرد. در نتیجه هرچه کیفیت خدمات عمومی و شهروندی بهتر باشد و خط‌مشی‌های عمومی به دور از جنجال‌ها و خط و ربط‌های سیاسی وضع و اجرا شوند و تعهد نظام سیاسی در قبال آن‌ها بیشتر باشد، بیانگر وضعیت بهتری در حکمرانی خوب است (همان). مطابق جدول (۳) که در آن شاخص اثربخشی دولت تصویر شده است، کانادا با شاخصی معادل ۱/۸۷ رتبه اول در بین کشورهای گروه G7 را به خود اختصاص داده است و پس از آن انگلیس و آمریکا با شاخص‌هایی معادل ۱/۷۱ و ۱/۶۳ در رده‌های بعدی قرار دارند. ایتالیا نیز با شاخص ۰/۳۶ رتبه آخر را در بین کشورهای گروه G7 به خود اختصاص داده است. در بین کشورهای گروه D8 نیز مالزی و ترکیه با شاخص‌هایی معادل ۱/۱۰ و ۰/۱۹ از عملکرد بهتری برخوردار هستند و رتبه اول و دوم را بدست آورده‌اند. شاخص اثربخشی دولت برای جمهوری



اسلامی ایران نیز معادل ۰/۵۲- بوده و رتبه پنجم را در بین کشورهای گروه D8 کسب کرده است. همچنین براساس شکل (۳) که در آن پراکنش آزادی اقتصادی و اثربخشی دولت کشورهای مورد مطالعه تصویر شده است، شاخص اثربخشی دولت "همبستگی مثبت" با شاخص آزادی اقتصادی دارد. از اینرو دولت‌ها با بهبود شاخص اثربخشی می‌توانند سیاست‌های بخش عمومی خود را در جهت انجام وظایف خود همچون تامین و فراهم نمودن کالاها و خدمات عمومی و زیرساخت‌های فیزیکی مورد نیاز در فرایند تولید به گونه‌ای به کار گیرند که از طریق کاهش هزینه‌های تولید برای بنگاه‌ها، افزایش کارایی و قدرت رقابت تولیدات، محیط اقتصادی را برای حضور فعالان اقتصادی مناسب نمایند و موجب ارتقای کارایی بازارها، تجارت خارجی، دسترسی به نقدینگی سالم را مهیا نمایند.

شکل ۳. پراکنش آزادی اقتصادی و اثربخشی دولت کشورهای مورد مطالعه



مأخذ: www.govindicators.org. پایگاه اطلاعاتی فریزر و یافته‌های پژوهش

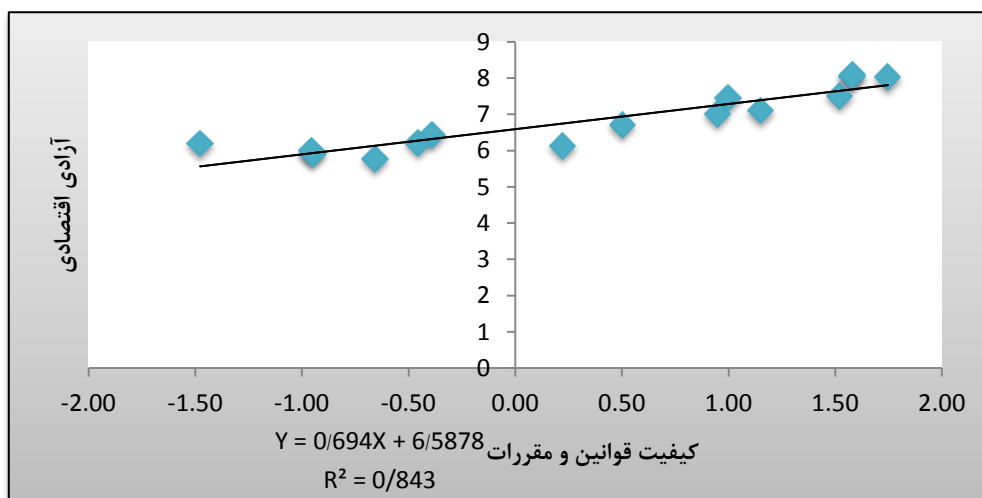
۲-۲-۴. شاخص کیفیت قوانین و مقررات

منظور از این شاخص، توانمندی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقررات و نظاماتی است که سبب گسترش نفوذ و دامنه فعالیت‌های بخش خصوصی می‌شود. هرچه دولت بتواند با تدوین و اجرای سیاست‌ها و نظامات مختلف، موجبات توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی و اثرگذاری بیشتر آن بر اداره جامعه را فراهم آورد، شاهد سطح بالاتری از حکمرانی خواهیم بود (همان). همانطور که از جدول (۲) ملاحظه می‌شود، انگلیس، کانادا



و آمریکا با شاخص‌هایی معادل ۱/۷۳، ۱/۶۰ و ۱/۵۴ به ترتیب رتبه‌های اول تا سوم را در شاخص کیفیت قوانین و مقررات در بین کشورهای گروه G7 احراز کرده‌اند. ایتالیا نیز در شاخص مذکور رتبه آخر را از آن خود کرده است. در بین کشورهای گروه D8 نیز مالزی و جمهوری اسلامی ایران با شاخص‌هایی معادل ۰/۵۲ و ۱/۴۹ - به ترتیب بهترین و ضعیف‌ترین عملکرد را داشته‌اند. شکل (۴) نشان می‌دهد، "همبستگی مثبت" بین شاخص کیفیت قوانین و مقررات و آزادی اقتصادی وجود دارد. باید اذعان نمود، لازمه داشتن آزادی اقتصادی، ثبات قوانین و مقررات است. بطوریکه وجود قوانین و مقررات نامناسب و دست و پاگیر انگیزه سرمایه‌گذاران و فعالین اقتصادی، تجارت خارجی، کارایی بازارها را تضعیف می‌کند و آنچه بنظر می‌رسد اینکه، نقش دولت‌ها در نظام‌های مختلف در جهت توسعه اقتصادی با ایجاد ساختاری مناسب از جهت حقوقی برای تسهیل مقررات محیط کسب و کار بسیار مهم است، تا بر آن اساس ارگان‌ها و نهادهای اقتصادی در راستای تامین شرایطی مناسب تر گام بردارند و در نهایت به پیشرفت جامعه منجر گردد، که این امر جز با تدوین و اجرای مناسب قوانین امکان‌پذیر نخواهد بود.

شکل ۴. پراکنش آزادی اقتصادی و کیفیت قوانین و مقررات کشورهای مورد مطالعه



مأخذ: www.govindicators.org، پایگاه اطلاعاتی فریزر و یافته‌های پژوهش

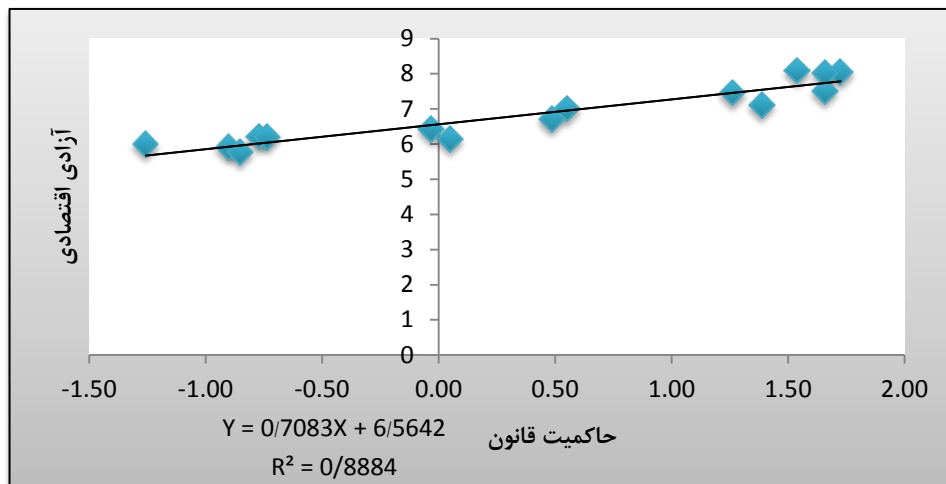
۲-۲-۵. شاخص حاکمیت قانون

اینکه تا چه میزان قوانین در یک جامعه واقعی‌اند و می‌توان به اجرای آن‌ها اطمینان داشت با این شاخص ارزیابی می‌شود. در این شاخص به‌ویژه کیفیت اجرای قراردادهای، عملکرد پلیس و محاکم قضایی و همچنین



میزان احتمال جرم و خشونت در یک جامعه مدنظر است. اگر پس از انعقاد یک قرارداد نتوان چندان به اجرای آن امید داشت و جرم و تخلف به سبب عملکرد ضعیف پلیس و محاکم قضایی قابل پی‌گیری نباشد نشان‌دهنده وجود حکمرانی ضعیف در یک کشور است (همان). جدول (۲) متوسط شاخص حاکمیت قانون را نیز نشان می‌دهد. در شاخص مذکور، کانادا و انگلیس با کسب شاخص ۱/۷۴، ۱/۶۷ به ترتیب رتبه‌های اول و دوم را در بین کشورهای گروه G7 به خود اختصاص داده‌اند. ایتالیا نیز با شاخصی معادل ۰/۵۱ رتبه آخر را کسب کرده است. همچنین مالزی و نیجریه با شاخصی معادل ۰/۴۹ و ۱/۲۴- رتبه اول و آخر را در کشورهای گروه D8، احراز کرده‌اند. جایگاه جمهوری اسلامی ایران نیز در شاخص مذکور با عددی معادل ۰/۷۸-، پنجم است. همچنین در شکل ذیل پراکنش آزادی اقتصادی و حاکمیت قانون کشورهای مورد مطالعه تصویر شده است. براساس شکل، شاخص حاکمیت قانون "همبستگی مثبت" با شاخص آزادی اقتصادی دارد. حاکمیت قانون و وجود دستگاه‌های قضایی منصف می‌تواند نقش بسزایی در بهبود شاخص آزادی اقتصادی داشته باشد بطوریکه وجود نهادهای تامین قضایی، دادگاه‌ها و قضاات عادل و با انصاف می‌توانند با ضمانت اجرای قراردادهای، تدوین و اجرای باکیفیت قوانین و مقررات شرایطی را فراهم آورد که سرمایه‌گذاران و فعالین اقتصادی بدون هیچ نگرانی در فعالیت‌های اقدام مولد کنند که بهبود شاخص آزادی اقتصادی را برای کشورها به همراه خواهد داشت.

شکل ۵. پراکنش آزادی اقتصادی و کیفیت قوانین و مقررات کشورهای مورد مطالعه



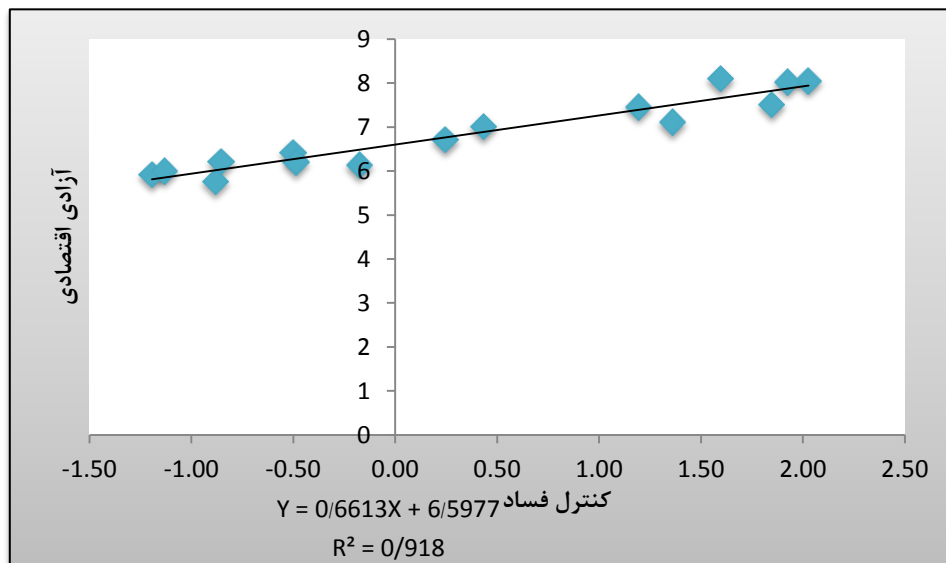
مأخذ: www.govindicators.org، پایگاه اطلاعاتی فریزر و یافته‌های پژوهش

۲-۲-۶. شاخص کنترل فساد

آنچه در این شاخص مدنظر قرار می‌گیرد این که قدرت عمومی و دولتی تا چه حد مورد سوء استفاده و در خدمت تحقق منافع شخصی و خصوصی قرار می‌گیرد. این شاخص، هم فسادهای جزئی و کوچک و هم فسادهای بزرگ و کلان را شامل می‌شود. براساس این شاخص هرچه نظام سیاسی و دولت در تسخیر نخبگان و در خدمت منافع خصوصی باشد، نشانگر حکمرانی ضعیف و عکس آن بیانگر رتبه بالاتری از حکمرانی خوب است (همان). در شاخص کنترل فساد نیز در بین کشورهای گروه G7 رتبه اول و آخر با شاخص‌هایی معادل ۲/۰۲ و ۰/۳۴ به کانادا و ایتالیا تعلق دارد. در صورتی که در بین کشورهای گروه D8 در شاخص کنترل فساد، مالزی با شاخص ۰/۲۳ موفق‌تر عمل کرده و رتبه برتر را از آن خود کرده است و بنگلادش نیز ضعیف‌ترین عملکرد را در شاخص مذکور داشته و رتبه آخر را بدست آورده است. جمهوری اسلامی ایران نیز با شاخص ۰/۵۸، رتبه چهارم را به خود اختصاص داده است. براساس شکل (۶) شاخص کنترل فساد "همبستگی مثبت" با شاخص آزادی اقتصادی دارد. به نظر می‌رسد گسترش فساد در جامعه و بکارگیری قدرت عمومی در جهت تامین منافع خصوصی سیاستمداران موجب ناکارآمدی سیاست‌های دولتی شده و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و اقتصادی را از شکل مولد آن به سوی رانت و فعالیت‌های زیرزمینی سوق می‌دهد و به تعبیری تخصیص منابع به صورت غیر کارا خواهد بود و از این منظر کارایی بازارها را کاهش می‌یابد و موجب اختلال در نقش دولت در اجرای قراردادها و حمایت از حقوق مالکیت می‌شود، سیاست‌های دولت را در تضاد با منافع اکثریت قرار می‌دهد و باعث هدر رفتن منابع ملی می‌شود. به این ترتیب، اثربخشی دولت‌ها در هدایت امور کاهش یافته و اعتماد مردم نسبت به دستگاه‌های دولتی و غیردولتی کاسته می‌شود که تمامی این موارد موانعی برای آزادی اقتصادی محسوب می‌شوند.



شکل ۶. پراکنش آزادی اقتصادی و کنترل فساد در کشورهای مورد مطالعه



مأخذ: www.govindicators.org، پایگاه اطلاعاتی فریزر و یافته‌های پژوهش

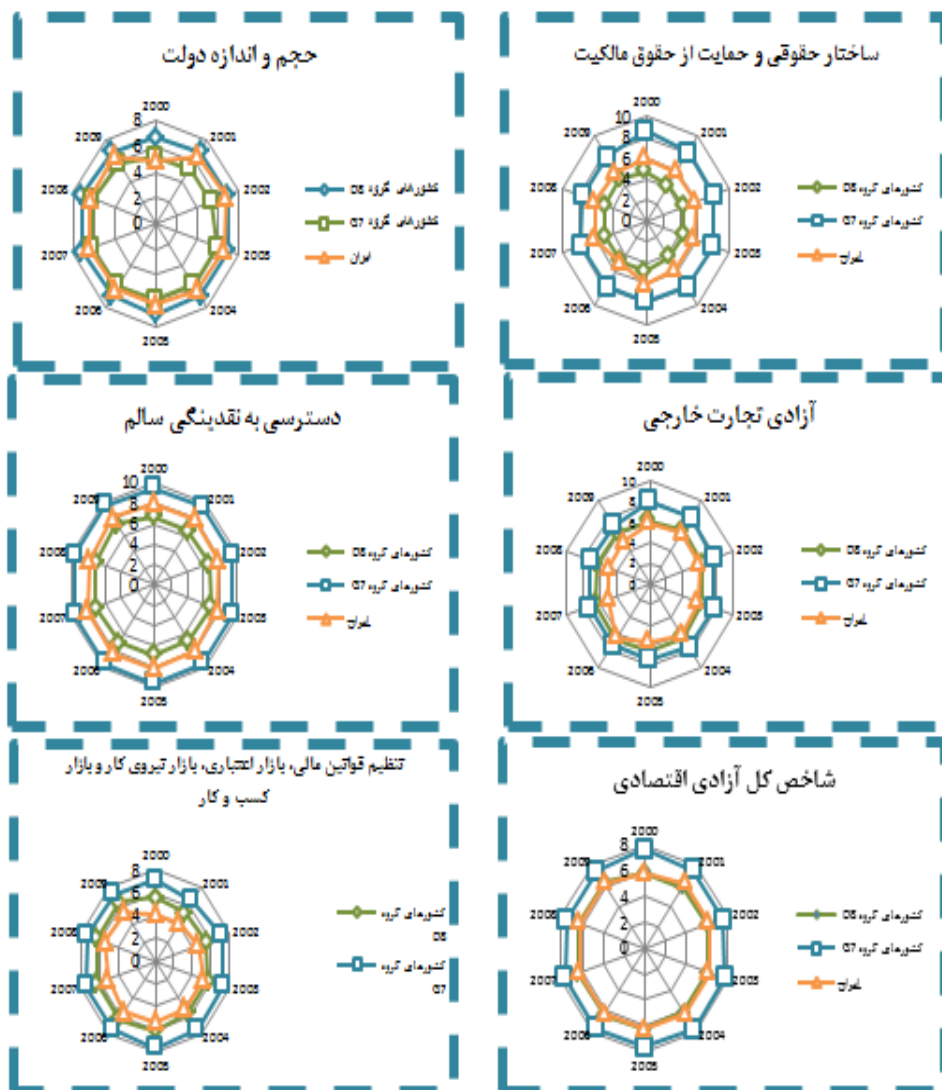
در نهایت به منظور تبیین دقیق‌تر وضعیت ایران در شاخص آزادی اقتصادی و حکمرانی در قیاس با میانگین کشورهای گروه‌های D8 و G7 از شکل‌های تار عنکبوتی بهره می‌گیریم. با بررسی شکل‌ها می‌توان بیان داشت، جمهوری اسلامی ایران علیرغم توانایی‌های بالقوه فراوان در مقایسه با سایر کشورهای گروه‌های D8 و G7 در اکثر اجزای شاخص‌های مورد مطالعه جایگاه مطلوبی ندارد.



شکل ۷. تار عنکبوتی شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی کشورهای گروه D8 و G7 و ایران طی دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۲



شکل ۸. تار عنکبوتی شاخص‌های آزادی اقتصادی کشورهای گروه D8 و G7 و ایران طی دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۲



۳. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

در یک کشور، سیاست‌ها و نهادها زمانی با آزادی اقتصادی سازگار است که ایجادکننده مبادلات داوطلبانه و موجب حمایت از افراد و حقوق آن‌ها باشد. به تعبیری دیگر، افراد وقتی دارای آزادی اقتصادی هستند که بتوانند با حکمرانی خوب و تدبیر شده، حقوق‌شان را بدون هیچ‌گونه زور و تهدید حفظ کرده و آزادانه به استفاده و مبادله دارایی‌های خود بپردازند؛ تاجایی که به حقوق مشابه دیگران تجاوز نکنند. لذا هدف اصلی از انجام مطالعه حاضر، ارزیابی اثر شاخص حکمرانی بر شاخص آزادی اقتصادی کشورهای مورد مطالعه است. نتایج مطالعه بیانگر وضعیت نامناسب شاخص‌های حکمرانی و آزادی اقتصادی کشورهای در حال توسعه D8 در قیاس با کشورهای توسعه‌یافته G7 است. همچنین براساس نتایج مطالعه می‌توان بیان داشت کشورهایی که در بهبود شاخص‌های حکمرانی موفق‌تر عمل کرده‌اند دارای آزادی اقتصادی بهتری هستند. لیکن توجه به پیشنهادات ذیل می‌تواند تسهیل‌کننده حرکت کشورها در جهت بهبود شاخص آزادی اقتصادی باشد.

- برقراری نظام اداری کارآمد و قابل اعتماد که اراده دولت از طریق آن اعمال می‌شود.
- شناسایی موانع موجود بر سر راه پاسخگویی و ایجاد سازوکارهایی از طریق افزایش مشارکت شهروندان، انتخابات آزاد، آزادی بیان و فعالیت گسترده رسانه‌ها و انجمن‌ها.
- ایجاد ثبات سیاسی در کشورها برای جلوگیری از هرگونه آشوب، خشونت، کودتا یا جنگ داخلی و توجه بیشتر به نظرات و عقاید قومیت‌های سیاسی و مذهبی.
- حمایت از رسانه‌های جمعی به منظور دسترسی منظم عموم مردم به اطلاعات و اسناد مرتبط با وظایف و فعالیت‌های دولت و فرآیند بودجه‌ریزی.
- تامین قضایی، حمایت از حقوق دارایی‌های فیزیکی و فکری و ضمانت اجرای قراردادها.
- تدوین سیاست‌های باثبات ضد فساد اداری و تلاش برای کاهش فساد مرتبط با فعالیت‌های کسب و کار.
- تثبیت قوانین شفاف و روشن در زمینه تضاد منافع بخش عمومی و حذف قوانین و مقررات پیچیده و دست و پاگیر.



منابع

- جعفری صمیمی، احمد و حمید آذرمنند. (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین آزادسازی اقتصادی و عملکرد اقتصاد کلان در کشورهای جهان (۲۰۰۱-۱۹۸۰). *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۳۷، ۶۱-۴۱.
- رزمی، سیدعلی اکبر، سیدمحمدجواد رزمی و سارا شهرکی. (۱۳۸۸). تاثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی با رویکرد مکتب نهادگرا: بررسی علی. *مجله دانش و توسعه*، شماره ۲۸، ۱۵۷-۱۲۷.
- سامتی، مرتضی، مرضیه گوگردچیان و احمد گوگردچیان. (۱۳۸۹). تحلیل تئوریک و تجربی تأثیر آزادی اقتصادی بر هزینه مبادله: مطالعه موردی کشورهای OECD. *پژوهشنامه اقتصادی*، سال دهم، شماره دوم، ۱۱۳-۹۵.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و عبدالله پورجوان (۱۳۸۹). حکمرانی، رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی کشورهای منتخب. *مجله علمی-ترویجی راهبرد یاس*، شماره ۲۲، ۱۶۸-۱۲۹.
- متفکرآزاد، محمدعلی، احمد اسدزاده، محسن امینی خوزانی و محمود شیرکش. (۱۳۹۲). تحلیل اثرات همزمان آزادی اقتصادی، توسعه انسانی و آزادی سیاسی در کشورهای منتخب اسلامی ۲۰۱۰-۲۰۰۱. *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال چهارم، شماره سیزدهم، ۹۶-۷۹.
- میدری، احمد و جعفر خیرخواهان. (۱۳۸۳). حکمرانی خوب بنیان توسعه. ناشر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، چاپ اول.
- نادری، محمدمهدی. (۱۳۹۰). حکمرانی خوب، معرفی و نقدی اجمالی. *فصلنامه اسلام و پژوهشنامه‌های مدیریتی*، شماره ۱۸، ۹۳-۶۹.
- نجاری‌فروشانی، مصطفی. (۱۳۸۸). شناسایی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و آزادی اقتصادی در کشورهای منتخب ۲۰۰۴-۱۹۹۴. اولین همایش ملی اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر، اسفند ۱۳۸۸.
- ولی‌بیگی، حسن و فاطمه پناهی. (۱۳۸۹). جایگاه ایران در اقتصاد جهانی در مقایسه با کشورهای منتخب (از منظر شاخص‌های توسعه انسانی، آزادی اقتصادی و فضای کسب و کار). *بررسی‌های بازرگانی*، شماره ۴۳، ۴۲-۲۷.
- یوسفی، محمدقلی. (۱۳۸۹). حکومت قانون و آزادی اقتصادی. *سیمای اقتصادی*، شماره ۲۸۰-۲۷۹، ۸۳-۶۲.



Andromachi, G. (2007). **The Debate Over the Economic Rationale for Investor Protection Regulation: A Critical Appraisal.** *Journal of Financial Regulation and Compliance*, 15(3): 236 – 249.

- Dimitar, Ch. & M. Adriana. (2009). **What Is the Optimal Size Government**. Institute For Market Economics, Available At: www.ime.bg
- Edwards, S. (1993). **Openness, Trade Liberalization and Growth in Developing Countries**. *Journal of Economic Literature*, Vol. XXXI, 1385-1393.
- Fridman, M. (1962). **Capitalism and Freedom**. The University of Chicago Press, Chicago.
- Gwartney, J. & R. Lawson. (2004). **Ten Consequences of Economic Freedom**. NCPA Policy Report, 268, Available At: www.ncpa.org/pub/st/st268
- Kaufmann, D., A. Kraay & M. Mastruzzi. (2009). **Governance Matters VIII: Aggregate and Individual Governance Indicators 1996-2008**. *Policy Research Working Paper* 4978.
- Robin, A. & T. Tribunella. (2011). **Economic Freedom and the Impact of Technology on Productivity**. Available At: <https://ritdml.rit.edu/handle/1850/14737>
- Peev, E. & D.C. Mueller. (2012). **Democracy, Economic Freedom and Growth in Transition Economies**. Blackwell Publishing Ltd, *KYKLOS*, 65(3): 371-407.
- Saha, S., R. Gounder & J. Su. (2009). **The Interaction of Economic Freedom and Democracy on Corruption: A Panel Cross-Country Analysis**. Available At: www98.griffith.edu.au/dspace/bitstream/handle/10072/.../59953_1.pdf?
- Swaleheen, M. & D. Stansel. (2007). **Economic Freedom, Corruption, and Growth**. *Cato Journal*, 27(3): 343-358.
- Vega Gordillo. M. & J.L. Alvarez Arce. (2003). **Economic Growth and Freedom: A Causality Study**. *Cato Journal*, 23(2): 199-215.
- WGI (2012). **Governance Matters, Worldwide Governance Indicators**. Available At: <http://www.worldbank.org/wgi/governance>.

